



# Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417

DOI: 10.30479/mfh.2021.2496



## Analysis and Evaluation of the Sample Hadiths of Moalal in the Book of the 'Elalel al\_Hadith' of Muhammad Baqir Behboodi

Forogh Moradian<sup>1</sup>  
Hamid Reza Mostafid<sup>2\*</sup>  
Javad Ala Almohadesin<sup>3</sup>  
Saeed Tavoosi<sup>4</sup>  
Maryam Hajabdolbaghi<sup>5</sup>

### Abstract

'Elalel of Hadith' is a science that examines the hidden harms of hadiths, in terms of text and document. The book 'Elalel of Hadith' by Mohammad Baqir Behboodi is one of the contemporary writings on the subject of hadiths. This article seeks to understand the methods of analysis and measurement in the book. It is evident from the study of the book that the author considers everything that causes the rejection of narrations as a hadith damage, and since he often does not define these damages, the only way to achieve his methods in critique is to examine the sample narrations of the book. This study showed that the most important method of improvement in documentary and textual criticism is to review and compare narrations with each other. With this method, he has some document damages such as: sending, interruption, members, suspension, distortion and correction, mixing in the document and some textual damages such as: correction and distortion, abrogation and extraction in texts, mixing text and The document and the extension ... have been specified; In the research, it was found that the cases that he mentioned as injuries are considered as hadith injuries and the diagnosis is correct; However, the examples that he mentioned under the heading of some injuries did not show that hadith damage, and by examining all the methods, the accuracy of some narrations was established.

### Keywords

Elalel of Hadith, Mohammad Baqir Behboodi, Elalel al\_Hadith.

### Article Type: Research

1. Ph.D Student in Quran and Hadith, North Tehran Branch, Islamic Azad University.

Email: forogh.moradian@yahoo.com

2. Responsible Author, Assistant Professor of Quran and Hadith Studies, North Tehran Branch, Islamic Azad University. Email: hr.mostafid@yahoo.com

3. Assistant Professor of Quran and Hadith Studies, North Tehran Branch, Islamic Azad University. Email: jmoh\_85@yahoo.com

4. Assistant Professor Department of Theology and Islamic Studies, Allameh Tabataba'i University. Email: saeed.tavoosi@atu.ac.ir

5. Assistant Professor of Quran and Hadith Studies, North Tehran Branch, Islamic Azad University. Email: maryamhajabdolbaghi@yahoo.com

Received on: 27/02/2021 Accepted on: 28/06/2021

Copyright © 2021, Moradian, Mostafid, Alaalmohadesin, Tavoosi & Hajabdolbaghi

Publisher: Imam Khomeini International University.





تلفن: ۰۲۶۸۸-۳۸۹۵  
شماره مجله: ۰۲۶۸۸-۴۴۱۷

DOI: 10.30479/mfh.2021.2496

# مطالعات فہم حدیث



## تحلیل و ارزیابی نمونه احادیث معلل در کتاب علل الحدیث محمدباقر بهبودی

فروغ مرادیان<sup>۱</sup>  
حمیدرضا مستفید<sup>۲\*</sup>  
جواد علاء المحدثین<sup>۳</sup>  
سعید طاووسی<sup>۴</sup>  
مریم حاج عبدالباقی<sup>۵</sup>

### چکیده

علل الحدیث، علمی است که به بررسی آسیب‌های مخفی احادیث، از حیث متن و سند می‌پردازد. کتاب «علل الحدیث» محمدباقر بهبودی از نگارش‌های معاصر در موضوع احادیث معلل است. این مقاله درصدد فهم شیوه‌های تحلیل و سنجش در کتاب یادشده می‌باشد. از بررسی کتاب، مشهود است که مؤلف هر آنچه را سبب عدم پذیرش روایات می‌شود، به عنوان آسیب حدیثی لحاظ کرده و از آن‌جا که غالباً این آسیب‌ها را تعریف نکرده، تنها راه دستیابی به شیوه‌های ایشان در نقد، بررسی نمونه روایات کتاب است. این بررسی نشان داد که مهم‌ترین روش بهبودی در نقد سندی و متنی، بررسی و مقایسه روایات با یکدیگر است. ایشان با این روش، به وجود برخی آسیب‌های سندی از جمله: ارسال، انقطاع، اعضال، تعلیق، تحریف و تصحیف، تخلیظ در سند و برخی آسیب‌های متنی از قبیل: تصحیف و تحریف، اسقاط و ادراج در متون، تخلیظ متن و سند و تعریض... تصریح داشته است؛ در پژوهش انجام شده، مشخص شد که مواردی که ایشان به عنوان آسیب ذکر کرده، جزء آسیب‌های حدیثی به شمار می‌روند و تشخیص به جا و درست است؛ اما مثالی که ایشان ذیل عنوان برخی آسیب‌ها ذکر کرده، نشان دهنده آن آسیب حدیثی نبود و با بررسی تمام طرق، صحت برخی از روایات احراز شد.

### کلیدواژه‌ها

علل الحدیث، محمدباقر بهبودی، حدیث معلل.

### نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال. froogh.moradian@yahoo.com
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (نویسنده مسئول). hr.mostafid@yahoo.com
۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال. yahoo.com@۸۵\_jmoh
۴. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران. saeed.tavoosi@atu.ac.ir
۵. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال. maryamhajibdolbaghi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

## ۱. طرح مسأله

کتاب «علل الحدیث» بهبودی، از نگارش‌های معاصر است که به واریسی احادیث معلل پرداخته است؛ از این‌رو نیاز است با بررسی دقیق آن، به شیوه‌های نقد الحدیثی ایشان در تعلیل احادیث پی برد. از آن‌جا که تاکنون شیوه‌ی بهبودی در بررسی نمونه‌های علل الحدیث به صورت عینی و مصداقی واکاوی نشده است، این پژوهش بر آن است تا با تحلیل شیوه‌ی نقد الحدیثی بهبودی در تعلیل اسناد و متون روایات و نقد مبانی ردّ روایات در علل الحدیث، خلأ مذکور را پر کند.

پیشینه‌ی خاصی به صورت مستقل که به تحلیل و ارزیابی نمونه‌های علل الحدیث بهبودی پرداخته باشد، موجود نیست. برخی نگاه‌های معاصر نیز در قالب مقالات علمی به تحلیل دیدگاه ایشان پرداخته‌اند عبارتند از:

- مقاله «دیدگاه‌های محمدباقر بهبودی در گزینش احادیث صحیح» (۱۳۸۷ش)، نویسنده در این مقاله معیارهای گزینش احادیث را از دیدگاه بهبودی مورد بررسی قرار داده است.

- مقاله «ناستوار قلمداد شدن روایات فضل‌بن‌شاذان از امام رضا (ع)» (۱۳۸۸ش)، این مقاله در واقع نقدی بسیار جزئی از عملکرد ایشان به شمار می‌رود و در قالب بررسی و نقد شیوه‌ی بهبودی در تحلیل یک تک روایت عمل کرده است. - پایان‌نامه «سیری در اندیشه‌های حدیثی محمدباقر بهبودی» (۱۳۸۸ش)؛ بیشتر جنبه‌ی معرفی ایشان را دارد.

- مقاله «دغدغه‌های بهبودی در تألیف صحیح‌الکافی و روش او» (۱۳۹۳ش).

- مقاله «علت در حدیث و موازین شناخت آن از دیدگاه محمدباقر بهبودی» (۱۳۹۴ش). نگارنده در این مقاله علل موجود در حدیث را به ۳ دسته علل سندی، متنی و علل سندی و متنی تقسیم نموده است. علل سندی شامل: عدم اتصال، اضطراب، تخلط و...، علل متنی نیز شامل: مخالفت حدیث با قرآن، سنت و اجماع، ناسازگاری حدیث با واقعیت تاریخی زمان صدور، تعریض داشتن متن حدیث و... و علل سندی و متنی مانند: عدم سازگاری ادعای راوی با وضعیت جسمانی او، اشتباه شدن کنه راوی و امام و تخلط متن و سند. که برای هر یک از این موارد یک نمونه را ارائه نموده است؛ ولی نقد و تحلیلی صورت نگرفته است.

- پایان‌نامه: «بررسی شیوه‌های نقد الحدیثی بهبودی در کتاب علل الحدیث» (۱۳۹۵ش)، نگارنده پس از ذکر برخی آسیب‌های حدیثی به تحلیل معنای لغوی

و اصطلاحی آن از نظر علمای لغت و درایه می‌پردازد، سپس نمونه حدیث در ذیل آن می‌آورد. اما همه آسیب‌های حدیثی در کتاب علل الحدیث از جمله بحث ناسازگاری حدیث با واقع‌ات تاریخی زمان صدور، مخالفت با اجماع، معاریض که در واقع از ابتکارات بهبودی است، مورد بررسی قرار نگرفته است.

- مقاله «صحت احادیث کافی: مقایسه و نقد دیدگاه سه حدیث‌پژوه معاصر» (۱۳۹۶ش). در این مقاله مهم‌ترین دیدگاه‌های محمدباقر بهبودی، ابوالقاسم خویی و مسلم، داوری در خصوص صحت احادیث کافی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است.

این پژوهش بر آن است تا با بررسی شیوه‌ی بهبودی در تعلیل اسناد و متون روایات به نقد مبانی ردّ روایات در کتاب علل الحدیث بپردازد. از آن‌جایی که بهبودی یک حدیث‌پژوه معاصر است و دیدگاه‌های خاصی در نقد حدیث دارد، نکات ارایه شده از سوی ایشان هم می‌تواند محلّ استفاده و هم محلّ نقد باشد و در مطالعات حدیثی پیش رو مورد استفاده قرار گیرد؛ لذا در این پژوهش آسیب‌های سندی و متنی حدیث، بررسی و مثال‌های ارایه شده از سوی ایشان نقد و تحلیل خواهد شد تا روشن شود آیا روایات ارائه شده از سوی بهبودی دارای آن آسیب حدیثی بوده یا می‌توان صحت برخی روایات را اثبات نمود و نیز زمینه استفاده محققان و منتقدان از آراء بهبودی فراهم شود.

## ۲. تحلیل و ارزیابی نمونه احادیث معلّل سندی و متنی

سند روایات، بسان گذرگاه مطمئنی برای دستیابی به کلام معصوم (ع)، از هر آسیبی، آثار زیان‌بخش می‌پذیرد که به ضعف حدیث یا إسقاطش از حجّیت می‌انجامد. بهبودی، علل متعددی را در آسیب روایات، دخیل می‌داند؛ که برخی، مختص سند و برخی متوجّه متن روایات است و برخی نیز دو حوزه متن و سند را در بر می‌گیرد.

### ۲-۱. تحلیل و ارزیابی نمونه احادیث معلّل سندی

در این‌جا، برخی از مهم‌ترین آسیب‌های سندی روایات، مورد بررسی قرار گرفته است که عبارتند از:

۲-۱-۱. ارسال<sup>۱</sup>

بهبودی یک فصل از کتاب «علل الحدیث» را مختص «حدیث مرسل» قرار داده است و در این فصل با ذکر نمونه احادیثی که به دلیل وجود برخی عبارات؛ همانند: «عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ»، «عَنْ رَجُلٍ»، «عَمَّنْ أَخْبَرَهُ» و ... که دال بر نامعلوم بودن عنوان راوی است، با روش مقایسه اسناد احادیث با همان کتاب و یا دیگر کتب حدیث، عنوان مجهول راوی را مشخص نموده و به این نتیجه رسیده که در برخی احادیث ارسال خفی وجود دارد؛ لذا حکم به ارسال آن روایات نموده است (ر.ک: بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۱۲۷-۱۳۱). در این جا به بررسی یک نمونه حدیث مرسل از نظر ایشان، می پردازیم:

ایشان روایاتی را از تهذیب و کافی نقل می کند و سپس با استناد به سند روایت کافی، به عدم امکان نقل بی واسطه «حریز» از امام صادق (ع) اشاره کرده است. «مُوسَى بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) ...» (طوسی ۱۴۰۷ق، ۵: ۳۶۴).

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدَهُمَا (ع) ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۳۹۴).

یا این حدیث: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ حَرِيزٍ عَنْ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۳۹۳).

در این جا بهبودی به دلیل وجود عبارت «عَمَّنْ أَخْبَرَهُ»، که دال بر نامعلوم بودن راوی است و با مقایسه اسانید روایات مشابه، حکم به ارسال روایت نموده است (ر.ک: بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۱۲۷). ایشان برای اثبات نظر خویش در ادامه می گوید: «کشی نیز در شرح حال حریز می نویسد: «مُحَمَّدُ بْنُ نُصَيْرٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ قَالَ لَمْ يَسْمَعْ حَرِيزٌ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ الا حَدِيثًا أَوْ حَدِيثَيْنِ» (کشی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۶۸۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۴۵؛ بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۱۳۷).

## نقد و بررسی

در بررسی به عمل آمده در مورد «حریز» روشن شد که وی روایات زیادی را از طریق

۱. شهیدثانی می گوید: «مرسل روایتی است که راوی، آن را از معصوم (ع) روایت می کند، در حالی که هرگز معصوم (ع) را درک نکرده است، خواه راوی تابعی باشد یا غیر آن، تابعی صغیر باشد یا کبیر، خواه افتادگی در سند، یک نفر باشد یا بیشتر و خواه روایت را بدون واسطه و یا باواسطه، روایت کرده باشد؛ نام راوی را فراموش کرده باشد و یا با وجود اطلاع از نام راوی، نامش را ذکر نکند و یا به گونه ای مبهم، ذکر کند؛ چنان که بگوید: «عَنْ رَجُلٍ» یا «عَنْ غَضِّ أَصْحَابِنَا» (شهیدثانی، ۱۳۷۲ش، ۵۰).

«زراره» و «محمدبن مسلم» از امام صادق (ع) نقل کرده است، اما از آن جایی که در «کافی»<sup>۱</sup> و «تهذیب»<sup>۲</sup>، «حریز» روایات زیادی را بدون واسطه، از امام صادق (ع) نقل می‌کند. با این قراین می‌توان گفت تردیدی در نقل بی‌واسطه «حریز» از امام صادق (ع) باقی نمی‌ماند. در پاسخ به استدلال بهبودی به روایت کتاب کشی نیز می‌گوییم:

۱- خویی این روایت را به خاطر ضعف راوی «محمدبن نصیر» ضعیف می‌داند. همچنین می‌گوید این روایت درست نیست، بعد از این‌که بالغ بر ۲۱۵ روایت با سند صحیح به صورت بی‌واسطه از حریز از امام صادق (ع) ثبت شده است (خویی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۳۲۳). در ضمن وقتی سند روایت ضعیف است، از کجا معلوم که این روایت از یونس صادر شده باشد، ممکن است اشتباه راویان پیشین باشد.

۲- صاحب معالم نیز در «منتقى الجمال» می‌گوید شگفت از کلام یونس! چرا که حریز از امام صادق (ع) بیشترین روایت مستقیم را دارد، به خصوص در کتاب حج (صاحب معالم، ۱۳۶۲ش، ۲: ۲۸۸).

۳- صاحب کتاب «صفوه المقال» هم ادله زیادی را در ردّ ارسال اخبار حریز آورده است که در این جا نقل می‌کنیم:

الف- عنعنه و سماع حریز از امام صادق (ع) که شکی در آن نیست و همه علما بر آن اتفاق نظر دارند و فقط اختلاف در مقدار روایت است، خود دلیلی بر ردّ قول یونس و قرینه‌ای قطعی بر فساد ادّعی ایشان می‌باشد، به ویژه بعد از اطلاع از طرق متعدد و صحیح روایت ده‌ها حدیث مستقیم حریز از امام (ع) (سیدابوالحسن، ۱۴۳۳ق، ۲۷، ۴۲).  
ب- روایت یونس از طریق واحد و راوی واحد نقل شده که از سوی بزرگان متقدم تضعیف شده است.

ج- صحیح در مورد عبارت کشی اینست که یونس از امام صادق (ع) به واسطه حریز یک یا دو حدیث نقل کرده است، نه این‌که حریز فقط یک یا دو حدیث مستقیم از امام صادق (ع) نقل کرده باشد. شاهد مدّعی ما روایاتی است که یونس از حریز از امام صادق (ع) نقل می‌کند، تعداد این روایات ۴ مورد است، سه مورد آن در کافی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۱۷۸، ح ۴) و تهذیبین (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱۰: ۱۲، ح ۲۷؛ همو، ۱۳۹۰ش، ۴: ۲۰۴، ح ۷۶۴) آمده که حدیث واحد هستند و مغایر با حدیثی که در البصائر (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۵۹، ح ۴) آمده است. در این صورت می‌شود دو

۱. برای نمونه‌هایی از روایت مستقیم حریز از امام صادق (ع)، رک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۲۲۰، ح ۱۹: ۲: ۶۰۹، ح ۱: ۲: ۶۶۴، ح ۳: ۵۱، ح ۶: ۳: ۱۶۰، ح ۱: ۳: ۵۰۵، ح ۱۹.

۲. طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۰۸، ح ۱۲۹، ۲۸۳، ۳۰۲، ۳۵۵، ۳۲۷، ۳۴۸، ۸۷۹، ۹۵۵، ۱۰۲۱.

حدیث و به این شکل سخن محمدبن عیسی یا یونس درست در می‌آید که فقط دو حدیث به واسطه حریر از امام صادق (ع) شنیده است (سیدابوالحسن، ۱۴۳۳ق، ۴۹). بنابراین با توجه به قرینه تعارض روایات متعدّد دال بر نقل مستقیم حریر از امام صادق (ع) با عبارت کشی در مورد عدم نقل بی‌واسطه حریر از امام (ع)، نتیجه می‌گیریم که، یونس از حریر دو روایت دارد.

د- احتمال دیگر این‌که چون راوی، روایت کشی در هر ۴ مورد «محمدبن عیسی» است که از یونس از حریر از امام صادق (ع) نقل می‌کند، این احتمال وجود دارد که محمدبن عیسی گفت: من از یونس از حریر از امام صادق (ع) یک یا دو حدیث شنیده‌ام.

ه- پس به قرینه این‌که قائل یونس باشد که از امام صادق (ع) به واسطه حریر فقط یک یا دو روایت نقل کرده است و نیز وجود اغلاط زیاد در کتاب کشی و به قرینه ورود احادیث متعدد حریر از امام صادق (ع) به اسناد صحیح، ارسالی در روایات حریر نخواهد بود (سیدابوالحسن، ۱۴۳۳ق، ۴۷).

۴- محمد کاظم رحمتی در مقاله خود در دانشنامه جهان اسلام در تأیید کلام بهبودی می‌گوید که روایت یونس درست است با توجه به این‌که حریر در کوفه و امام صادق (ع) در مدینه بوده است، طبیعی است که نتواند زیاد روایت کند (رحمتی، ۱۳۹۳ش، ۱۳: مدخل حریر، صص ۹۶-۹۸؛ همدانی، ۱۳۹۷ش، ۱۳۸). اما کلام علامه شوشتری را نیز آورده که ایشان در کتاب خود روایت یونس را نپذیرفته و ۱۴ روایت را به عنوان نمونه روایت مستقیم حریر از امام صادق (ع) آورده است (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ۳: ۱۶۴). به هر حال روایات مستقیم حریر از امام صادق (ع) محلّ تأمل است. در پاسخ به مسأله اقامت امام در مدینه و حریر در کوفه هم باید گفت که «امام مدتی در عراق و حتّی کوفه (به دستور سفاح) اقامت داشته‌اند» (قزوینی، ۱۳۰۸ش، ۳: ۲۳۱) و شاید حریر در این مدت روایات را از ایشان نقل نموده یا حتّی حریر سفرهایی را به مدینه و مکه داشته‌اند. در ضمن اگر حریر با امام صادق (ع) آمد و شد نداشته، پس راه ندادن حریر به دیدار خود توسط امام (ع) که به جریان «حجب» معروف است (کشی، ۱۳۶۲ش، ۲: ۶۸۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۴۵) چه معنایی دارد؟ (همدانی، ۱۳۹۷ش، ۱۴۱).<sup>۱</sup>

۱. برای مشاهده موارد بیشتر این اشکال، ر.ک: بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۱۳۲، ح. ۱.

۲-۱-۲. تعلیق<sup>۱</sup>

بهبودی در فصلی از کتاب «علل الحدیث» روایاتی که به آسیب «تعلیق» دچار شده‌اند را ذکر نموده است. ایشان در تشخیص «تعلیق» سند، بیشتر از روش مقایسه میان اسانید کتب حدیثی، استفاده کرده است (ر.ک: بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۱۲۲-۱۲۴). وی می‌گوید: یکی از روش‌های کلینی در کافی، نقل احادیث به صورت معلق است به این صورت که اوایل سند<sup>۲</sup> را با تکیه بر سند قبلی ذکر نمی‌کند به همین خاطر اگر محدثی، حدیث دوم را از کافی نقل نماید، واجب است که آن را از تعلیق، خارج و تمام سند را ذکر نماید، در غیر این صورت در دام ارسال گرفتار می‌شود. اما شگفت که طوسی از این مسأله غفلت نموده و اسناد را به همان صورت از کافی نقل کرده و آن را به طریق خود از کلینی وصل نموده است، بدون این که واسطه‌های رها شده را ذکر نماید، بنابراین اسناد در روایات طوسی منقطع است؛ ولی با مراجعه به کافی اتصال سند روشن می‌شود» (ر.ک: بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۱۲۲-۱۲۴؛ سبجانی، ۱۴۱۴ق، ۶۹).

در این جا به ذکر نمونه‌ای از تعلیق از منظر ایشان می‌پردازیم: بهبودی می‌گوید طوسی در تهذیب دو روایت را پشت سر هم از کافی به این صورت نقل کرده است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّازَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) ...»، «زَوَى ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) ...» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۱۹۷). اما شیخ در این جا اشاره‌ای به تعلیق سند حدیث دوم بر سند حدیث اول نمی‌کند؛ لذا تصور ارسال در سند پیش می‌آید. بهبودی، با مقایسه اسانید دو حدیث در کافی، به معلق بودن سند دوم بر سند اول، اشاره کرده:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّازَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۴۷۷، ح ۵)، «ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۴۷۷، ح ۶).

ایشان می‌گوید در این جا از اول سند حدیث دوم کافی این عبارت حذف شده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ» به خاطر اعتماد به ذکر آن در سند حدیث قبلی. او این گونه نتیجه می‌گیرد که سند روایت موجود در تهذیب به خاطر عدم ذکر تعلیق، معلل است.

۱. حدیث معلق، حدیثی است که از ابتدای سندش، یک راوی یا بیشتر پشت سر هم حذف و اسامی راویان محذوف، صرفاً در سلسله سند حدیث بالاتر، ذکر می‌شود؛ وجه تسمیه این اصطلاح نیز، به دلیل آویزان شدن حدیث بعدی به حدیث قبلی است. سند حدیثی که راویان آن حذف شده‌اند، معلق است و تعلیق آن، رفع نمی‌شود، مگر با تکیه بر سند یا اسناد دیگر (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۱۷۶؛ سبجانی، ۱۴۱۴ق، ۶۹).

۲. ترک اوایل سند را تعلیق گویند.



اما در کافی سند حدیث دوم با تکیه بر سند حدیث اول، تعلیق آن رفع می‌شود. پس ظاهر حدیث معلل است، چون تعلیق دارد؛ اما تعلیق آن بر اساس حدیث قبل قابل رفع است. با اندکی دقت در چگونگی نقل این دو روایت توسط شیخ، جای هیچ تردیدی در اثبات تعلیق سند حدیث دوم، باقی نمی‌ماند؛ این نکته را هم باید افزود که شیخ، عبارت «رَوَى ابْنُ أَبِي عَمِيرٍ» را نیز در ابتدای کلام خویش، فرموده است که دلالت بر ارسال حدیث دارد. حرعاملی نیز هنگامی که این حدیث را از تهذیب روایت می‌کند؛ به اسناد شیخ طوسی، تصریح می‌کند<sup>۱</sup> در صورتی که شیخ با اسناد کلینی حدیث را نقل کرده است. بهبودی در این جا ثابت می‌کند که هم طوسی و هم حرعاملی دچار اشتباه شده‌اند و حدیث دوم، معلق بر حدیث اول است.<sup>۲</sup>

### ۲-۱-۳. انقطاع یا قطع

بهبودی، مراد از انقطاع سند را، حذف نام یک راوی از وسط سند، ذکر کرده است (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۱۳۹). او با روش مقایسه اسناد دو روایت کافی، به انقطاع در سند روایت اول از کافی، به دلیل افتادگی نام راوی «أَبُو سَعِيدٍ الْمُكَارِي» در میان «أَبُو بَصِيرٍ» و «أَبُو أَيُّوبَ الْخَزَّازِ» اذعان داشته است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۴۰۵، ح ۸). «عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِي» عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۳۳۶، ح ۷).

### تحلیل و بررسی

اگر صرفاً با بررسی ظاهر سند دو حدیث، به بررسی سند معلل از نگاه بهبودی پرداخته شود، در همان نگاه اول، به دلیل عدم ذکر راوی «أَبُو أَيُّوبَ الْمَكَارِي» به راحتی می‌توان، حکم به انقطاع در سند داد؛ اما در بررسی دقیق و توجه به طرق حدیثی، نتیجه دیگری

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْتِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)...» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۴: ۳۳).

۲. این مساله نسبت به نمونه‌های دیگر که ایشان ذکر نموده، نیز وارد است (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۹۹، ح ۲، ۱۸، ۱۰۴).

۳. علامه مامقانی در تعریف حدیث «مقطوع» و «منقطع» می‌گوید: «حدیثی است که سند آن به تابعی یا کسی که در حکم اوست، منتهی شود و شامل قول و فعل او می‌شود و به آن منقطع نیز می‌گویند» (مامقانی، ۱۳۸۴ش، ۲۵۲؛ نفسی، ۱۳۸۸ش، ۹۴). برخی چون شهیدثانی حدیث مقطوع را این‌گونه تعریف می‌کند: «الْمَقْطُوعُ هُوَ الْمَوْقُوفُ عَلَيَّ غَيْرِ الصَّحَابِيِّ سِوَاكَ كَأَنَّ تَابِعاً أَمْ لَا» (شهیدثانی، ۱۳۷۲ش، ۴۹).

حاصل می‌شود؛ تا آن‌جا که نه تنها به طور قطع می‌توان از عدم وجود انقطاع در سند، سخن گفت؛ بلکه از صدور حکم انقطاع در مورد سند روایت تعجب نمود «أَبُو أَيُّوبَ الْخُرَّازُ» از راویان امامی و ثقه است که نام او، در سند روایات کافی، به کرات ذکر شده است. ایشان فقط در کتاب کافی ۲۰ بار نقل مستقیم، از استاد خویش «أَبُو بصير الأزدی» داشته است و تنها ۲ روایت را با واسطه، از استاد خویش نقل کرده است؛ یک روایت را به واسطه «سليمان بن خالد الأقطع» و دیگری را به واسطه «أَبُو سعيد المكارى» نقل نموده است و این همان حدیثی است که بهبودی، برای اثبات وجود انقطاع در سند، بدان استناد کرده است. لازم به ذکر است، که بهبودی، با وجود آن‌که روایت مذکور (حدیث ۸) را به عنوان حدیثی معلل در «علل الحدیث» ذکر نموده است، دقیقاً همین روایت را به عنوان حدیث صحیح در جلد ۲ «صحیح کافی» آورده است (بهبودی، ۱۴۰۱ق، ۲: ۱۹۴).

ایشان در مقدمه گزیده کافی، به گزینش احادیث با توجه به شناخت «علل الحدیث» تصریح نموده است، این اختلاف نظرها درباره روایات معصومان (ع)، جای تأمل دارد که یک‌بار حدیث به عنوان حدیث معلل معرفی شود و همان حدیث به عنوان حدیث صحیح در صحیح کافی نقل شود.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۴. اعضاء

معضل، حدیثی است که از سند آن دو راوی یا بیشتر حذف شده باشد.<sup>۲</sup> بهبودی نیز مانند سایر علمای درایه، حذف دو راوی از وسط سند را «اعضال سند» دانسته است (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۱۳۹). در این‌جا یک نمونه حدیث معضل را از نظر ایشان نقل می‌کنیم. وی، به دلیل افتادگی دو راوی؛ «عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنِ عَوَاضٍ» عَنْ «مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ» بین راوی؛ «مُحَمَّدُ بْنُ سَمَاعَةَ» و امام باقر (ع) به اعضاء سند روایت زیر در تهذیب تصریح نموده است:

۱. این اشکال به نمونه‌های دیگر که ایشان ذکر کرده، نیز وارد است (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۱۴۳، ح ۱۴۰؛ ۱۴۰، ح ۳؛ ۱۳۹، ح ۱).

۲. مامقانی در بیان معنای «اعضال» می‌فرماید: «معضل حدیثی است که از سند آن باید دو راوی یا بیشتر حذف شده باشد و اگر کمتر از دو نفر باشد حدیث معضل نیست، بلکه اگر از اول حدیث حذف شده باشد، از اقسام معلق است و اگر از آخر حدیث حذف شده باشد، جزو اقسام مرسل است. پس معضل مقابل معلق و اخص از مرسل است، به همین خاطر در کتاب البدایه در ادامه صحبت از مرسل آمده است» (مامقانی، ۱۳۸۴ش، ۲۵۳؛ و نیز ر.ک: شهیدثانی، ۱۳۷۲ش، ۵۰؛ عاملی، ۱۰۴۱ق، ۱۰۸؛ مرعی، ۱۴۱۷ق، ۷۸؛ صدر، ۱۳۵۴ش، ۲۰۰؛ نفیسی، ۱۳۸۸، ۱۱۶).

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) ...» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۹: ۳۵۳، ح ۱۲).

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ عَوَاضٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) ...» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۴: ۳۴۳).

### نقد و بررسی

بهبودی در تعریف اصطلاح «اعضال» نظر خویش را مبنی بر حذف دو راوی، در وسط سند ذکر کرده بود، ولی در سند تهذیب، نام دو راوی در انتهای سند، حذف شده است، بنابراین بهبودی اصطلاح «اعضال» را به درستی تعریف کرده؛ اما در پیاده‌سازی و ارایه مثال دچار اشتباه شده است، ذکر این نکته لازم است که آسیب سند روایت تهذیب را می‌توان با توجه به سند متصل روایت فقیه، رفع کرد؛ زیرا هر دو روایت موضوع واحدی را دنبال می‌کنند. در هر صورت این روایت دچار آسیب هست، اما آسیب آن اعضال نیست.<sup>۱</sup>

### ۲-۱-۵. تخلیط<sup>۲</sup> سند

با بررسی مثال‌های ارایه شده از سوی بهبودی، روشن شد که مراد از «تخلیط» در نگاه ایشان، اشتباه راوی و یا نسخه‌نویس در سند است که نام راوی را که در سلسله سند نیست، داخل در سند می‌کند. در واقع بهبودی معنای لغوی را مدنظر قرار داده و آن را به عنوان معنای اصطلاحی واژه در نظر گرفته است (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۱۵۲). بهبودی از طریق مقایسه سند دو روایت زیر در کافی و فقیه به تخلیط در سند روایت فقیه اذعان دارد:

«أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۲۰۵، ح ۸).

«رُوي عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) ...» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۳: ۲۸۷،

۱. این اشکال به نمونه‌های دیگر که ایشان ذکر کرده، نیز وارد است (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۱۴۴، ح ۱۷).  
 ۲. صاحب «الرعاية» در ذیل عنوان «من اختلط و خلط» این علت را از ویژگی روایانی دانسته‌اند که پس از دوره استقامت در حدیث به دو ویژگی کند ذهنی و ضعف عقل دچار شده باشند و یا همانند «واقفیه» در زمان امام کاظم (ع) و «فطحیه» در عصر امام صادق (ع) و نیز امثال «محمدبن علی شلمغانی» و «محمدبن ابي مفضل» دچار فسق شده باشند» (شهیدثانی، ۱۴۰۸ق، ۲۱۰). علامه مامقانی نیز می‌گوید: «بَلِ الظَّاهِرُ أَنَّ الْمُرَادَ بِإِثْمَالِ هَذَيْنِ اللَّفْظَيْنِ مَنْ لَا يُبَالِي عَمَّنْ يَزُوي وَ عَمَّنْ يَأْخُذُ بِجَمْعِ بَيْنِ الْغُثِّ وَ الثَّمِينِ وَ الْعَاطِلِ وَ الثَّمِينِ وَ لَيْسَ هَذَا طَعْنًا فِي نَفْسِ الرَّجُلِ» (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ۲: ۴۶).

ح ۴۰۳۴). بهبودی می‌گوید در سند روایت فقیه، راوی‌ای که روایت را از امام صادق (ع) نقل می‌کند؛ «صفوان الجمال» است، در حالی که در سند کافی، این روایت را «صفوان بن یحیی» از «هارون بن خارجه» به نقل از امام (ع) روایت می‌کند. از دیدگاه ایشان، در نسخه فقیه، «صفوان بن یحیی» به «صفوان الجمال» تخلیط شده است؛ «گویا نسخه اصلی سقط داشته و به این صورت بوده: «صفوان قال: قلت لأبی عبد الله (ع)» و چون «صفوان بن یحیی» از امام صادق (ع) روایت نمی‌کند، کلمه «جمّال» را به آن افزوده‌اند تا اصلاحی صورت داده باشند؛ زیرا «صفوان بن مهران جمّال»، به فراوانی از امام صادق (ع) روایت می‌کند. ولی غفلت شده که «صفوان بن مهران» نمی‌تواند صاحب این حدیث باشد؛ زیرا شغل او صرّافی نبوده است. علاوه بر این که «محمد بن عبد الجبار» از «صفوان بن یحیی» روایت می‌کند نه از «صفوان بن مهران» (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۱۵۲).

### تحلیل و بررسی

در بررسی به عمل آمده روشن شد که نام «صفوان بن یحیی» به کرات در سلسله اسناد کافی آمده و در زمان خود، امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و امام هادی (ع) را درک نموده و از ایشان نقل روایت مستقیم دارد؛ اما از امام صادق (ع) نقل روایت مستقیم ندارد و امکان نقل روایت نداشته است. راوی دیگر، «صفوان بن مهران» که ایشان معاصر امام صادق (ع) می‌باشد و روایات متعددی را از امام صادق (ع) در موضوعات مختلف فقهی و غیر فقهی، به صورت مستقیم نقل کرده است. به نظر می‌رسد که نباید به صرف نوع شغل راویان، انتظار اخذ حدیث از آنان داشت؛ چرا که در عمل خلاف آن ثابت شده است؛ نام «صفوان الجمال» در کتاب کافی، باب «إتخاذ الإبل» صرفاً در سند ۲ روایت مشاهده می‌شود<sup>۱</sup> و مابقی روایات ایشان، در باب‌های مختلف آمده است. همچنین در روایات ماقبل سند مذکور در فقیه؛ راوی حدیث «اسحاق بن عمّار» است و موضوع روایت نیز، همانند روایت مدنظر، پیرامون مبادلات است، شاید بتوان احتمال داد که مؤلف، با توجه به سند قبلی، از ذکر ناقل روایت، صرف نظر کرده باشد. درباره عنوان «الجمّال» نیز می‌تواند اشتباهی از جانب نساخ صورت گرفته باشد.<sup>۲</sup>

۱. کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۵۴۲، ح ۲، ۸، ۵۴۳.

۲. این اشکال به نمونه‌های دیگر که ایشان ذکر کرده، نیز وارد است (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۱۵۰، ح ۴، ۷، ۸، ۱۴۹).

۲-۱-۶. تصحیف و تحریف<sup>۱</sup> در سند

یکی دیگر از آسیب‌های سندی احادیث، «تصحیف» و «تحریف» می‌باشد. بهبودی در تبیین این دو اصطلاح، توضیحی، بیان نکرده است و فقط به بررسی نمونه روایاتی اکتفا می‌کند که از دیدگاه ایشان، به این آسیب دچار شده‌اند. غالب عملکرد بهبودی در تشخیص این آسیب، مقایسه اسناد احادیث با یکدیگر است (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۶۵، ح ۵).

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ هِشَامٍ عَنِ سَالِمٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)...» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۲۵۰، ح ۷).

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ عُيَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنِ سَالِمٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۹۰، ح ۲). بهبودی با ذکر دو روایت از تهذیب و کافی می‌گوید: «عنوان صحیح راوی «عُبَيْسُ بْنُ هِشَامٍ» است که از «سالم» نقل روایت می‌کند. و از طرفی «حسن بن علی بن عبدالله» از اصحاب «عُبَيْسُ بْنُ هِشَامٍ» است» (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۶۳، ح ۷؛ نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۱۱۷، رقم ۲۹۹).

## نقد و بررسی

با بررسی انجام شده روشن شد که عنوان «عُبَيْسُ بْنُ هِشَامٍ»<sup>۲</sup> در اسناد کتب اربعه ذکر شده است؛ اما عنوان «سلیمان بن هشام» عنوان ناآشنایی است و چنین نامی به ثبت نرسیده است. به نظر می‌رسد، تصحیف عنوان راوی، صرفاً در نسخه‌ای از تهذیب صورت گرفته؛ چرا که خویی نیز تصریح می‌کند که در برخی از نسخه‌های تهذیب، نام راوی «عُبَيْسُ بْنُ هِشَامٍ» ذکر شده است؛ که این عنوان، صحیح است و موافق با نسخه کافی می‌باشد (خویی، ۱۴۰۹ق، ۸: ۲۸۴، ش ۵۵۱۸). در بررسی دیگر کتب حدیثی که روایت را از تهذیب، نقل کرده‌اند، عنوان صحیح راوی ذکر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۵: ۱۸۹، ح ۳۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۱۴: ۱۴۴۹، ح ۱۴۵۰۵)<sup>۳</sup>.

۱. حدیث مُصَحَّف، حدیثی است که در آن تغییر و دگرگونی، پدید آمده باشد (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۱۸۸؛ شهیدثانی، ۱۳۷۲ ش، ۱۶۲؛ میرداماد، ۱۴۰۵ق، ۲۰۷). می‌توان گفت که وجه تمایز آسیب «تحریف» و «تصحیف» مشهود است؛ عدم لزوم تشابه به واژه اصلی و تعدد در تحریف (میرداماد، ۱۴۰۵ق، ۲۰۵).  
 ۲. «الْعَبَّاسُ بْنُ هِشَامٍ أَبُو الْفَضْلِ النَّاشِرِيُّ الْأَسَدِيُّ عَرَبِيٌّ ثِقَةٌ جَلِيلٌ فِي أَصْحَابِنَا كَثِيرَ الرِّوَايَةِ كَسَرَ إِسْمَهُ فَقِيلَ عُيَيْسٌ لَهُ كُتِبَ...» (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۲۷۱). علامه حلی در کتاب خلاصه الاقوال نیز می‌گوید: «در کتب رجال، نام وی را «الْعَبَّاسُ بْنُ هِشَامٍ أَبُو الْفَضْلِ النَّاشِرِيُّ الْأَسَدِيُّ» ذکر کرده‌اند» (حلی، ۱۴۱۱ق، ۱۱۸، ش ۵).

۳. این اشکال به نمونه‌های دیگری که ایشان ذکر کرده، نیز وارد است (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۶۵، ح ۴؛ ۶۷، ح ۸).

۲-۱-۷. اضطراب<sup>۱</sup> سندی

بهبودی در کتاب خویش، صرفاً به ذکر ۷ نمونه روایت مضطرب پرداخته است و روش ایشان در تشخیص این آسیب نیز، تطبیق کتاب‌ها با یکدیگر است (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۱۱۶). او با استناد به روایات کافی، تهذیب، الفقیه، امالی، علل الشرائع به اضطراب در سند این روایات اذعان داشته است (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۹۸).

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا أَيْضاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُسْلَمَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۲۴۲، ح ۱).

«عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ ...» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۹: ۱۲۸، ح ۲۸۸).

«رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَدَّافٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) ...» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۳: ۳۴۵، ح ۴۲۱۵).

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: ...» (صدوق، ۱۳۷۶ش، ۶۶۶، ح ۱).

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ، عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) ...» (صدوق، ۱۳۸۵ش، ۲: ۴۸۳).

«أَبِي حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَابْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، جَمِيعاً، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) ...» (صدوق، ۱۳۸۵ش، ۲: ۴۸۴).

## نقد و بررسی

کلینی در «کِتَابُ الْأَطْعَمَةِ»، «بَابُ عِلَلِ التَّحْرِيمِ» صرفاً یک روایت را، با چند طریق، اما در قالب یک سند، ذکر نموده است. با بررسی دیگر کتب حدیثی، طرق دیگر روایت، نیز مشهود است. به عنوان مثال؛ در کافی و تهذیب، روایت با طرق مختلف، به نقل

۱. شهیدثانی می‌گوید: «حدیث مضطرب، حدیثی است که لفظ حدیث، به صورت‌های مختلفی، توسط راوی نقل شود؛ این اختلاف و دوگانگی، ممکن است در سند روایت باشد؛ به این صورت که راوی، یکبار از ابن‌ابی عمیر روایت می‌کند و بار دیگر از محمدبن مسلم» (شهیدثانی، ۱۳۷۲ش، ۵۶؛ عاملی، ۱۴۰۱ق، ۱۱۲).

از امام صادق (ع) است در حالی که صدوق، در فقیه و امالی و علل الشرائع، حدیث را از امام باقر (ع) نقل می‌کند. داشتن سوالی مشترک توسط چند راوی از یک یا چند معصوم، امری رایج بوده و امکان وقوع آن وجود داشته است. لذا با بررسی این احادیث، کاملاً مشهود است که این روایات، گاهی با طرق مختلف و توسط چندین راوی و از صادقین (ع) در کتب حدیثی، نقل شده است؛ قطعاً بزرگان محدث ما، اضطرابی در اسناد این روایات، مشاهده نکرده‌اند که به ثبت این روایات در تألیفات حدیثی خویش، اقدام نموده‌اند. چه بسا این تعدد طرق، سبب اطمینان بیشتر از صدور کلام معصومان (ع) بوده است. لذا نمی‌توان روایتی را به دلیل داشتن طرق مختلف و به سبب نقل از صادقین (ع)، مضطرب دانست.

در این جا بهودی می‌گوید «ابن عذافر» از پدرش روایت کرده سپس در اسناد دیگر و توسط راوی دیگر به جای ذکر اسم پدرش گفته شده «عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ». بهودی این امر را دلیل بر اضطراب دانسته و با ذکر این سه اسناد می‌گوید ما از طریق روایات دیگر می‌فهمیم که راوی که اسمش در سند ذکر نشده، پدر ابن عذافر بوده است و این صدق اضطراب می‌کند و قابل حل است. در مورد سندهای اول هم می‌گوید از طریق اسناد کاملی که داریم می‌توانیم بفهمیم کسی که حدیث را از امام صادق (ع) شنیده «مفضل» بوده و از کنار هم قرار دادن این موارد این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند. اما چون اسناد روایات کاملاً متفاوت است و دو اسناد مشابه داریم که اسم «مُفَضَّل» در آن‌ها نیامده و یک روایت کاملاً متفاوت هم داریم که اسم «مُفَضَّل» در آن آمده است، در این جا نمی‌شود تشخیص اضطراب داد.

## ۲-۲. تحلیل و ارزیابی نمونه احادیث معلل متنی

در این قسمت به بررسی نمونه‌هایی از احادیث معلل متنی پرداخته شده است:

### ۲-۲-۱. تحریف و تصحیف متن<sup>۱</sup>

بهودی در این جا با توجه به روایات تهذیب و فقیه، به تحریف حدیث کافی، اذعان داشته است:

۱. بهودی در این فصل کتاب علل الحدیث مجموعاً به ذکر ۷۶ حدیث معلل پرداخته است که از این تعداد، ۳۴ مورد به تصحیف متن و در ۱۷ مورد به تحریف متن اشاره داشته است. غالب نمونه‌های تصحیف و تحریف متنی، به دلیل تبدیل کلمه، به کلمه شبیه به آن، هم معنا با آن و یا در راستای آن معنا است که غالباً به هنگام استنساخ نسخه‌ها رخ داده است؛ در برخی از روایات، حکم فقهی، کاملاً تغییر یافته و ایشان گاهی عامل این تغییر را، «تصحیف» و گاهی «تحریف» و در مواردی، بدون هیچ‌گونه اظهارنظری، صرفاً به ذکر روایت، اکتفا نموده است (بهودی، ۱۳۷۸ ش، ۱۵۹).

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقَبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أُكَيْلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي رَجُلٍ أَكْثَرَى دَارًا وَفِيهَا بُسْتَانٌ فَزَرَعَ فِي الْبُسْتَانِ وَغَرَسَ نَخْلًا وَ أَشْجَارًا وَغَيْرَ ذَلِكَ وَ لَمْ يَسْتَأْمَرْ صَاحِبَ الدَّارِ فِي ذَلِكَ فَقَالَ عَلَيْهِ الْكِرَاءُ وَ يَقَوْمُ صَاحِبِ الدَّارِ الزَّرْعَ وَ الْغَرْسَ قِيمَةً عَدَلٍ فَيُعْطِيهِ الْغَارِسُ إِنْ كَانَ اسْتَأْمَرَهُ فِي ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ اسْتَأْمَرَهُ فِي ذَلِكَ فَعَلَيْهِ الْكِرَاءُ...»<sup>۱</sup> (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۲۰۶، ح ۵۳).

«رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) ... إِنْ كَانَ اسْتَأْمَرَهُ فِي ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ اسْتَأْمَرَهُ فَعَلَيْهِ الْكِرَى...» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۳: ۲۴۶، ح ۳۸۹۶). این حدیث در نسخه کافی بدین صورت تحریف شده است (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۱۶۷): «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقَبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أُكَيْلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) ... وَإِنْ كَانَ اسْتَأْمَرَ عَلَيْهِ الْكِرَاءُ وَ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۲۹۷، ح ۲).

### تحلیل و بررسی

در متن روایات تهذیب و فقیه، عبارت «إِنْ كَانَ اسْتَأْمَرَهُ فِي ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ اسْتَأْمَرَهُ» آمده؛ در حالی که در کتاب کافی، صرفاً عبارت «إِنْ كَانَ اسْتَأْمَرَ» ذکر شده است. بهبودی، این اختلاف را، تحریف متنی دانسته است. عبارت روایت تهذیب و فقیه را می‌توانیم به دو صورت بخوانیم: الف- ادامه جمله قبلی. ب- به صورت جمله استینافی.

به نظر می‌رسد که عبارت اضافی لطمه‌ای به مفهوم حدیث وارد نکرده است؛ در هر صورت فرد باید کرایه منزل را پرداخت کند؛ اگر فرد اجازه گرفته باشد، در مقابل صاحب ملک، خدماتی را که فرد مستاجر در باغ او انجام داده است، باید جبران کند و در غیر این صورت، تمام محصولات باغ متعلق به فرد زارع است. بنابراین عبارت تهذیب و فقیه، در حقیقت همان عبارت مذکور در کافی است؛ از طرفی متن کافی در منابع دیگر حدیثی؛ همچون: وسائل الشیعة (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۸: ۱۰۷۵، ح ۱۸۸۴۳)، وافی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۱۹: ۱۵۷، ح ۲۴۳۶۱)، جامع احادیث شیعة (بروجردی، ۱۳۸۶ش، ۲۴: ۱۸۴، ح ۲۰۸) نیز آمده است؛ که این خود، قرینه‌ای در پذیرش روایت کافی است. لازم به ذکر است که اگر تحریف این روایت را هم صحیح بدانیم، این تحریف، به معنای

۱. محمدبن مسلم، از امام باقر (ع) درباره شخصی سوال می‌کند که خانه‌ای را اجاره کرده است که در آن باغ کوچکی است؛ و او در آن باغ به زراعت پرداخته است و نهال خرما و درختانی از میوه و غیر آن، کاشته است؛ این در حالی است که او در این زمینه، هیچ اجازه‌ای از صاحب باغ نگرفته است. امام (ع) در پاسخ فرمودند: او باید اجاره را بپردازد و صاحب خانه باید هزینه کاشت و زراعت را به همان مقدار هزینه شده، قیمت‌گذاری کند و اگر او از صاحب خانه، اجازه گرفته باشد، پس باید اجاره خانه را بپردازد و می‌تواند کشت و زرع خود را هر وقت که بخواهد بردارد و ببرد.



روایت، صدمه نمی‌زند، شاید به همین دلیل بوده که بهبودی این روایت را در صحیح کافی نقل نموده است؛ اما جای بسی تأمل است که بهبودی روایت مذکور را با این که علیل می‌داند، در صحیح کافی، با کمی اختلاف نقل کرده است، با این که خود به حدیث کافی همین اختلاف نقل را ایراد گرفته است:

«... عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (ع) ... إِنَّ كَانَ اسْتَأْمَرَ وِإِلَّا فَعَلَيْهِ الْكِرَى...» (بهبودی، ۱۴۰۱، ۲: ۳۸۹، ح ۲۸۶۸). عبارت کافی با اندکی تغییر به صورت «وِإِلَّا فَعَلَيْهِ الْكِرَى» آمده است، در حالی که این عبارت در هیچ‌یک از منابع حدیثی، ذکر نشده است. از آن جایی که قرن‌ها از تألیف کافی گذشته، به طور قطع نمی‌توان از محرف بودن روایت، سخن گفت؛ اما در انتساب صحیح کافی، به بهبودی، جای تردیدی نیست. قطعاً امانت‌داری در نقل روایات، وظیفه خطیری است و هرگز نباید کلمه و حتی حرفی به روایات افزوده و یا کاسته شود (ر.ک: بهبودی، ۱۳۷۸، ش، ۱۷۸، ح ۳۸؛ ۱۹۲، ح ۶۴).

## ۲-۲-۲. افتادگی و اسقاط متن

بهبودی در روایت زیر را از کافی و تهذیب نقل می‌کند:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فِي الرَّجُلِ يَمُوتُ وَلَهُ أُمَّ مَمْلُوكَةٍ وَلَهُ مَالٌ أَنْ تَشْتَرِيَ أُمَّهُ مِنْ مَالِهِ وَتُدْفَعَ إِلَيْهَا بَقِيَّةُ الْمَالِ» إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ ذُو قَرَابَةٍ لَهُمْ سَهْمٌ فِي الْكِتَابِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۷: ۱۴۸، ح ۷).

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فِي الرَّجُلِ ... إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ ذُو قَرَابَةٍ لَهُمْ سَهْمٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ۹: ۳۳۳، ح ۱). ایشان با استناد به روایات مذکور، به سقط در احادیث زیر، اذعان داشته است و عدم ذکر عبارت «قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع)» و نیز عبارت «إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ ذُو قَرَابَةٍ لَهُمْ سَهْمٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ» را دلیل تعلیل روایت دانسته است.

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ فِي رَجُلٍ تُوُفِّيَ وَتَرَكَ مَالًا وَلَهُ أُمَّ مَمْلُوكَةٍ قَالَ تَشْتَرِي أُمَّهُ وَتُعْتَقُ ثُمَّ يَدْفَعُ إِلَيْهَا بَقِيَّةَ الْمَالِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۷: ۱۴۸، ح ۲). «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) ...» (طوسی، ۱۴۰۷، ۹: ۳۳۳، ح ۵).

## تحلیل و بررسی

در بررسی انجام شده روشن شد که کلینی، این دو روایت را در باب «میراث الممالیک» آورده و در ابتدای این باب، روایتی از امام صادق (ع) به نقل از امیرمؤمنان (ع) روایت کرده است؛ درباره مردی که از دنیا رفته است و مادری دارد که کنیز است؛ حضرت در ادامه می‌فرماید که مادر آن شخص متوفی، با اموال او خریداری و سپس آزاد شود، آن‌گاه از حق ارث پسرش، برخوردار گردد. روایت دوم این باب، متنی شبیه به روایت قبلی، ولی با سند دیگری، نقل شده است. روایت سوم، بر آزادی پدر و مادر متوفی از بردگی و روایت چهارم بر آزادی پسر متوفی از بردگی، اشاره داشته و تمام این روایات، به نقل از امام صادق (ع) است. اما با دقت در روایت هفتم - روایت مورد استناد بهبودی - آشکار است که معصوم (ع) علاوه بر مادر، پدر، فرزند و خواهر متوفی، با وسعت بخشیدن به دایره نزدیکان شخص، به حق ارث بستگان و ذورحم متوفی نیز اشاره می‌کند. در روایت مذکور عدم ذکر ادامه روایت نشان از اسقاط در متن حدیث دارد.

## ۲-۲-۳. تخلیط متن

بهبودی، پس از مقایسه میان احادیث، با استناد به روایاتی از کافی، به معلل بودن روایت تهذیب، به آسیب تخلیط متن و سند اشاره داشته است؛ از نگاه بهبودی، طوسی به هنگام نقل روایت سوم از کافی، متن حدیث سوم را با سند حدیث دوم، تخلیط کرده است (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۱۸۳، ح ۴ و ۳):

«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ ابْنِ بَكِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: يَجُوزُ طَلَاقُ الْغُلَامِ إِذَا كَانَ قَدْ عَقَلَ وَوَصِيَّتُهُ وَصَدَقَتُهُ وَإِنْ لَمْ يَحْتَلَمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۱۲۴، ح ۴).

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ بَكِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَثَلَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۱۲۴).

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: يَجُوزُ طَلَاقُ الصَّبِيِّ إِذَا بَلَغَ عَشْرَ سَنِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۱۲۴، ح ۵).

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ بَكِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: يَجُوزُ طَلَاقُ الصَّبِيِّ إِذَا بَلَغَ عَشْرَ سَنِينَ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۷۶، ح ۱۷۳). بهبودی در ادامه متذکر شده است که با این تخلیط، حدیث مرسل به صورت حدیث صحیح در آمده است.

## نقد و بررسی

کلینی این روایات را در «بَابُ طَلَاقِ الصَّيَّانِ» ذکر کرده است. در روایت چهارم این باب با ذکر سندی، روایتی را نقل کرده است؛ در ادامه با سند دیگری که در حقیقت، متشکل از دو سند است<sup>۱</sup>، متذکر شده که متن روایت، دقیقاً همان روایت قبلی است.<sup>۲</sup> لذا با ذکر عبارت «مثله»، به همانند بودن متن روایت، تصریح نموده است. از آن جایی که هر حدیث، متشکل از یک سند و یک متن است؛ اگر متن روایتی با سند دیگری ذکر شود، در حقیقت روایت دیگری است؛ اگر چه متن آن یکی باشد. اما در روایت تهذیب، همان گونه که بهبودی ذکر نموده است، اسناد این حدیث، مربوط به روایت دیگری است و تخلیط متن حدیث، در سند روایت دیگری رخ داده است. بهبودی می گویند: «بنابراین شیخ طوسی متن و سند این حدیث را تخلیط کرده است: سند، سند حدیث دوم و متن، متن حدیث اول است» (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۱۵۴).

نکته‌ی حائز اهمیت این است که با تأمل در سیاق کلام بهبودی، این شائبه به ذهن می‌آید که تعلیل روایت، امری عامدانه و از جانب طوسی صورت گرفته؛ و شیخ به دلیل آن که در صدد رفع ارسال در سند روایت بوده، اقدام به چنین کاری نموده است. در اثبات عدم انتساب تعلیل روایت، به طوسی، می‌توان این موارد را عنوان کرد:

در بررسی صورت گرفته، عنوان «عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ» ۲۴ بار در تهذیب، ذکر شده است. اگر عملکرد شیخ، رفع ارسال سند احادیث، با تداخل در اسناد روایات است، چرا به رفع ارسال «بعض رجاله» در دیگر اسناد تهذیب، اقدام ننموده است؟ پس آنچه که می‌تواند دلیل تخلیط متن با سند روایت قبلی باشد، اشتباه نساخ به هنگام رونویسی از نسخه حدیثی بوده است؛ به هنگام نوشتن سند حدیث ۴ از کافی، پرش چشم صورت گرفته و متن روایت ۵ کافی، نوشته شده است؛ غافل از آن که از نوشتن یک متن حدیث، غفلت شده و سند روایتی با روایت دیگر، خلط شده است.<sup>۳</sup>

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَثَلَهُ»، «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع (ع) مَثَلَهُ».

۲. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع (ع) مَثَلَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۱۲۴).

۳. این اشکال به نمونه دیگر که ایشان ذکر کرده، نیز وارد است (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۱۵۶ ح، ۹).

۲-۲-۴. اضافات راوی (ادراج)<sup>۱</sup>

بهبودی با ذکر روایتی از تهذیب، به درج کلام راوی در متن حدیث،<sup>۲</sup> اشاره داشته است:

«مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ صَلَاةِ الْكُسُوفِ نَقَضِي إِذَا فَاتَتْنَا قَالَ لَيْسَ فِيهَا قَضَاءٌ وَقَدْ كَانَ فِي أَيْدِينَا أَنَّهَا تُقْضَى»<sup>۳</sup> (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۱۵۷). ایشان عبارت «وَقَدْ كَانَ فِي أَيْدِينَا أَنَّهَا تُقْضَى» را بخشی از کلام راوی دانسته است که به حدیث، اضافه شده است (ر.ک: بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۲۲۹). در استبصار نیز روایت به همین صورت نقل شده و در ادامه روایت آمده: «قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ: الْوَجْهُ فِي هَذِهِ الْأَخْبَارِ أَنْ نَحْمِلَ سُقُوطَ الْقَضَاءِ إِذَا لَمْ يَحْتَرِقِ الْقُرْصُ كُلُّهُ فَأَمَّا إِذَا احْتَرَقَ كُلُّهُ لَا بَدَّ مِنَ الْقَضَاءِ يَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ»<sup>۴</sup> (طوسی، ۱۳۹۰ش، ۱: ۴۵۳).

البته این ادراج از جانب شیخ نیست، بلکه از ناحیه راوی است. متن این روایت، در کتاب تهذیب چنین ذکر شده است: «مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ صَلَاةِ الْكُسُوفِ نَقَضِي إِذَا فَاتَتْنَا قَالَ لَيْسَ فِيهَا قَضَاءٌ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۱۵۷)<sup>۵</sup>.

## ۲-۲-۵. وجود تعریض در متن حدیث

یکی از روش‌های بهبودی در ارزیابی روایات، توجه به تعریض در متن حدیث است

۴. مدرج یعنی حدیثی که راوی، کلام خود یا کلام بعضی راویان را در متن آن داخل کند و بدین صورت، کلام وی با سخن معصوم (ع) اشتباه شود (ر.ک: مامقانی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۲۲۰؛ شهیدثانی، ۱۳۷۲ش، ۱۰۴؛ میرداماد، ۱۴۰۵ق، ۵۳؛ سبحانی، ۱۴۱۴ق، ۷۲).

۱. بهبودی در کتاب خود هم به بررسی روایات معمل متشکل از حدیث و فتوا پرداخته و هم تدریج حدیث با حدیث دیگر را مورد نگاه نقادانه خویش قرار داده است. در بررسی حدیث مدرج متشکل از حدیث و فتوا، ۸ نمونه روایت معمل، مورد نقد ایشان، قرار گرفته است. روش ایشان در این زمینه نیز مقایسه متون روایات با یکدیگر است (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۲۲۹؛ دلبری و همکاران، ۱۴۰۰ش، ۷۱).

۳. از امام صادق (ع) درباره نماز کسوف سوال کردم؛ که اگر فرصت ادای آن پایان یابد، آیا می‌توان قضای آن را به جای آورد؟ حضرت فرمودند: قضایی ندارد. در حالی که آنچه نزد ما بود، دال بر قضای آن بود.

۴. محمدبن حسن می‌گوید: «مقصود روایت، مربوط به آن زمانی است که تمام قرص ماه، کسوف نشود، ولی به هنگام کسوف کامل، همان‌گونه که قبلاً ارائه شد؛ چاره‌ای نیست جز قضای آن.

۴. این اشکال به نمونه‌های دیگر که بهبودی ذکر کرده، نیز وارد است (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۲: ۲۳۱).

۵. ایشان تعریض در روایت را به معنی مطالبی قلمداد کرده که امامان (ع) با بان آن‌ها در صدد رساندن این مطلب به مخاطبان خود هستند که مراد جدی ایشان از بیان این سخن، مطلب دیگری است و ظاهر فرمایش ایشان نباید مورد عمل قرار گیرد (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۲۸).

و همین امر را از موجبات بی اعتبار شدن احادیث می‌شمرد. ایشان معتقدند این گونه احادیث از حجیت ساقط، بلکه روایت‌هایی که حکم خلاف آن را شامل می‌شود، بر سایر احادیث تقدم دارد. (ر.ک: سرشار، ۱۳۸۸ ش، ۳۱۲) در این جا نمونه‌هایی از احادیث معاریض که بهبودی ضعیف شمرده، را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

## ۲-۲-۵-۱. قسم برای اثبات حکم شرعی

بهبودی معتقد است که احادیثی که در آن‌ها معصوم (ع) برای اثبات حکم شرعی یا فتوای خود بدون ضرورت سوگند بخورد، دارای تعریض بوده و حجت نیستند؛ زیرا فتوای امام نیازمند قسم نمی‌باشد (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۷۲-۷۵).

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ مُفْرَدِ الْحَجِّ يَقْدَمُ طَوَافَهُ أَوْ يُوَخِّرُهُ فَقَالَ هُوَ وَاللَّهِ سَوَاءٌ عَجَلَهُ أَوْ أَخَّرَهُ»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۴۵۸، بهبودی، ۱۴۰۱ق، رقم ۲۱۹۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۴۷۷). ایشان می‌گویند: «تعریض این حدیث در سوگند جلاله است که حجّت خدا بدون ضرورت، فتوای خود را با قسم تأیید می‌کند. فتوای عامه بر این است که در حجّ بی‌عمره، یعنی حجّ خالص مانند رسول (ص) طواف را مقدم بدانند و بنابر تعریضی که این حدیث دارد، فتوای واقعی بر خلاف نظر عامه خواهد بود که باید طواف را بعد از مراسم منی انجام بدهند» (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۷۲-۷۵).

## نقد و بررسی

در نقد معیار بهبودی باید گفت که گاه می‌توان وجوهی حکیمانه برای قسم خوردن امام (ع) یافت. به ویژه آن که فتوای امام با فتوای عامه در تعارض باشد (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۶ ش، ۲۱۶). در چنین مواردی، قسم خوردن امام، تنها به معنی اصرار بر صحت حکم شرعی در آن مسأله نیست، بلکه به نوعی نشان‌دهنده به خطا رفتن عامه به دلّ عدم مراجعه به اهل بیت (ع) در آن مسئله است. بنابراین سوگند امام در این جا برای اشاره به مسأله‌ی دیگری است و به جهت بیان حکم شرعی صادر نشده است (همان). پس قسم معصوم (ع) در روایت به طور قطع دلالت بر تعریض ندارد.

۱. از امام صادق (ع) پرسیدم: اگر کسی حجّ خالص به جا بیاورد، طواف خانه را قبل از مراسم منی انجام بدهد یا بعد از آن؟ امام صادق گفت: به خدا قسم که تعجیل و تأخیر آن یکسان است.

## ۲-۲-۵-۲. ذکر پدران به نام

بهبودی معتقد است که هرگاه معصومین (ع) از پدران خود با نام و نه با کنیه یاد می‌کنند، در صدد بیان فتوای جدی هستند و این یک نوع تعریض است. برای نمونه در حدیثی یکی از صادقین از جد خود، امیرالمؤمنین (ع)، با نام کوچک علی یاد می‌نمایند و سند حکم را به روایت مشهوری که از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده، حواله می‌دهد.<sup>۱</sup> ایشان می‌گوید: «این گونه تعادیر حتی در عبارت راویان حدیث گواه جوّ تقیه است و در نتیجه مفاد حدیث را باید حمل بر تقیه نمایند» (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۶۸-۶۹).

«... مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ ظَاهَرَ مِنْ أُمَّرَأَتِهِ خَمْسَ مَرَّاتٍ أَوْ أَكْثَرَ فَقَالَ قَالَ عَلِيٌّ (ع) مَكَانَ كُلِّ مَرَّةٍ ...» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۶: ۱۵۶).

## نقد و بررسی

یکی از معیارهای قابل نقد بهبودی در تشخیص روایات معاریض، یاد کرد از امام پیشین به نام از جانب امامان بعدی است که وجود چنین مسأله‌ای را نشان‌دهنده‌ی جدی نبودن حکم امام تلقی کرده است (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۶۹). این در حالی است که در نظر گرفتن احتمال «نقل به معنا» در چنین روایاتی و جایگزینی نام به جای کنیه، توسط راوی قابل فرض است (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۶ ش، ۲۱۷). بنابراین وجود چنین حالتی در روایت، نمی‌تواند دلیلی تام بر تعریض باشد.

## ۲-۲-۵-۳. استناد به سنتی از پیامبر (ص) که وجود ندارد

بهبودی معتقدند که اگر امام (ع) حکم را منوط به سنتی کند که در آن زمینه، سنتی از پیامبر (ص) وجود ندارد، نوعی تعریض است؛ برای نمونه روایتی را ذکر کرده که در آن راوی درباره نماز قضا می‌پرسد، اگر فردی آماده سفر باشد و نماز فریضه را ادا نکرده باشد، می‌تواند نماز قضا را در سفر شکسته بخواند؟ امام صادق (ع) پاسخ می‌دهد: «نمازش را قصر بخواند و می‌گوید اگر نمازش را قصر نخواند، به خدا سوگند که با رسول (ص) مخالف کرده است (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۳: ۱۶۳؛ ۲: ۱۳). ایشان می‌گوید در این زمینه سنتی از رسول (ص) وجود ندارد (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۷۲-۷۵؛ نیز ر.ک: بهبودی، ۱۴۰۱ ق، ح ۱۲۵۹ و ۱۲۶۰).

۱. بهبودی به نظیر همین روایت در التّهذیب، ج ۸، ص ۲۲، اشاره می‌کند که جمله تعریضیه را حذف کرده‌اند. به زعم او چنین تلخیصی فقیهانه نیست؛ زیرا تعریض را نشانه تشخیص حکم است، از بین برده است.

## تحلیل و بررسی

برخی در انتقاد از این معیار بهبودی، گفته‌اند ممکن است آن سنت در زمان صدور روایت وجود داشته و شایع نیز بوده و اکنون به دست ما نرسیده است. لذا در صورت نیافتن سنت مورد اشاره در یک روایت در زمان حاضر، نمی‌توان به عدم وجود آن در زمان صدور حدیث و در نتیجه ضعف آن حکم کرد (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۶ ش، ۲۱۷). می‌گوییم در مسائلی آن هم از جنس فقه و احکام که مانند مسائل کلامی و اعتقادی حساسیت نبوده، چگونه ممکن است سنتی باشد که نه شیعه و سنتی، نه زیدی و اسماعیلی و...، در هیچ‌جا به آن سنت اشاره نکرده باشد و فقط در یک روایت آمده باشد و حتی به ترک سنت و مخالفت با آن مذمت شده باشد. به نظر می‌رسد استبعاد بهبودی به جا باشد تا این‌که بگوییم شاید به ما نرسیده باشد. این تعبیر «شاید بما نرسیده باشد» را در بعضی موارد می‌توان به کار برد؛ اما نه در این‌گونه امور که ارجاع مستقیمی به یک سنت داده می‌شود که هیچ اثری از آن در آثار امامیه نیست. نکته دیگر این‌که اصلاً در مکتب اهل بیت (ع) چنین چیزی شناخته شده نیست و هیچ فقیهی به این مسأله فتوا نداده است، که فرد نماز چهار رکعتی‌اش قضا شود، بعد در سفر آن را دورکعتی بخواند. سنت، «اِقْضِ مَا فَاتَ كَمَا فَاتَ» است (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ۸: ۲۶۸). پس اشکال بهبودی وارد است.

## ۲-۲-۶. توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی در فهم حدیث

یکی از مبانی بهبودی در ارزیابی حدیث، بررسی ارتباط آن با شرایط تاریخی عصر صدور است. وی در این زمینه حدیثی را می‌آورد که در باب آداب حمام وارد شده است: «... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ كَانَ يَوْمًا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْخُلِ الْحَمَّامَ إِلَّا بِمُزْرٍ»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۶: ۴۹۷ و ۵۰۲).

بهبودی می‌گوید: «اگر با تاریخ صدر اسلام و احادیث ابواب طهارت آشنا باشیم، می‌دانیم که در زمان رسول (ع) نه حمام و نه مستراحی وجود نداشت و مردم برای رفع حاجات به پشت بام‌ها، پشت درخت‌ها، کنار دیوار و خرابه‌ها می‌رفتند». (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۱۶) ایشان می‌خواهد نشان دهد متن حدیث مورد نظر با فرهنگ آن عصر انطباق ندارد، پس این رشته احادیث علیل و بی‌اعتبار است.

۱. رسول خدا (ص) فرموده‌اند: هرکس به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده است بدون بستن لنگ به گرمابه نمی‌رود.

## نقد و بررسی

در بررسی به عمل آمده روشن شد که هم دلایل روایی بر وجود حَمَّام در اوایل اسلام هست و هم دلایل تاریخی.

۱- دلایل روایی: در احادیث پیامبر (ص) و ائمه (ع)، به موضوع حَمَّام از جهاتی توجه شده است. از یک سو بر اهمیت و فضیلت استحمام تأکید شده و حَمَّام، خانه خوبی وصف شده که گرمای آن آتش دوزخ را به یاد می‌آورد و آلودگی را زایل می‌سازد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۴۹۷). در عین حال، بنا بر حدیثی که صدوق (۱۴۱۳ق، ۱: ۱۱۵) از امام علی (ع)، روایت کرده، حَمَّام از آن جهت که پوشیدگی‌ها را نمایان می‌سازد و شرم از میان می‌رود، مکانی نامطلوب خوانده شده، اما کلینی از امام صادق (ع)، نقل کرده که این جمله، سخن خلیفه دوم بوده که در گفتگو با امام (ع)، مطرح کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۴۹۷).

به نظر حرّعاملی غیر از احتمال تقیه، سیاق عبارت این احتمال را تقویت می‌کند که دلیل نامطلوب دانستن حَمَّام، برهنه شدن مردم در آن جا بوده، که پیش از اسلام رواج داشته است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۳۱). به همین دلیل، یکی از نکاتی که در احادیث متعدّد بر آن تأکید شده، مسأله نهی از برهنه به حَمَّام رفتن است، به طوری که این امر با ایمان به خدا و آخرت پیوند زده شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۴۹۷، ۵۰۱).

۲- دلایل تاریخی: بر اساس منابع تاریخی، حَمَّام حتی در دوران باستان وجود داشته است. در معبد شُوسین، در بین‌النهرین، از دوره سومریان حَمَّامی آجر فرش، متعلّق به هزاره سوم قبل از میلاد، کشف شده و کاخ ماری در بابل قدیم در هزاره دوم قبل از میلاد نیز حَمَّام داشته است. از دوره هخامنشیان نیز حَمَّامی در تخت جمشید یافت شده است. در دوره ساسانیان، خسرو پرویز به هنگام استحمام، انگشتی با نقش آبن به دست می‌کرد. تأکید ویژه اسلام بر پاکی و انجام غسل‌های واجب و مستحب، مسلمانان را به حَمَّام‌سازی تشویق کرد. حَمَّام ابتدا به عنوان محلّ غسل کردن و وضوگرفتن ضمیمه مسجد گردید و بعدها یکی از شاخص‌های شهرهای اسلامی شد و محله‌های شهرها پیرامون آن تشکیل می‌گردید. به همین سبب، علاوه بر یافته‌های باستان‌شناسی، از متون تاریخی و جغرافیایی نیز فهرست‌های مفصّلی از حَمَّام‌ها به دست آمده است. اگرچه شواهد باستان‌شناسی حَمَّام‌های جهان اسلام، به امویان می‌رسد، اما این به معنای نفی وجود هرگونه حَمَّام ولو شکل ابتدایی آن نیست (منفرد، ۱۳۸۸ش، ۱۴: ۱۰۶). همچنین پایان‌نامه‌ای در دانشگاه هنر اصفهان در سال ۱۳۹۰ توسط وحید لطفی‌وند با



عنوان «پیدایش و شگل‌گیری حمام‌های ابرانی - اسلامی از اوایل اسلام تا دوره سلجوقی» نوشته شده است که نگارنده با استفاده از مستندات متنی و شواهد باستان‌شناسی اطلاعات ارزنده‌ای از حمام‌های آن دوره ارائه می‌دهد.

## ۲-۲-۷. ردّ حدیث مخالف اجماع علماء با وجود سند صحیح

بهبودی متن حدیثی را که مخالف اجماع است، هر چند سند آن معتبر باشد، علیل می‌شمارد. «... عَنْ سَلْمَةَ بِنِ كَهَيْلٍ قَالَتْ أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) بَرَجُلٌ قَدْ قَتَلَ رَجُلًا خَطَاً فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) مَنْ عَشِيرَتُكَ وَقَرَابَتُكَ فَقَالَ مَا لِي بِهِذِهِ الْبَلْدَةِ عَشِيرَةٌ وَلَا قَرَابَةٌ قَالَ فَقَالَ فَمَنْ أَى أَهْلِ الْبُلْدَانِ أَنْتَ فَقَالَ أَنَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْمُوصِلِ ... فَأَنَا وَلِيَهُ وَالْمُؤَدِّي عَنْهُ وَ لَا أُبْطِلُ دَمَ امْرِئٍ مُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۳۶۴؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۴: ۱۳۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱۰: ۱۷۱).

بهبودی در ذیل این حدیث می‌گوید: «متن این حدیث در مورد حکم دیه مقتول است و دیه مقتول را بر مردم شهری تحمیل کرده که قاتل در آن جا به دنیا آمده است. ایشان معتقد است این حدیث علاوه بر سند علیل، حکم آن مخالف اجماع است؛ زیرا دیه قتل خطا بر وارث قاتل است و آنان باید ظرف سه سال دیه را تأدیه کنند و اگر استطاعت نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود» (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ۲۴۳). بهبودی در این زمینه نیز حدیث صحیحی را در کتاب صحیح الکافی آورده است که در آن حکم حدیث موافق با اجماع علماء و خلاف حدیث بالا است<sup>۱</sup> (بهبودی، ۱۴۰۱ق، ۳: ۳۵۱). بر اساس اجماع مسلمانان در مورد جنایات عمد و شبه عمد، پرداخت دیه برعهده خود مرتکب است، اما در قتل خطا، در صورت اثبات، دیه بر عهده عاقله<sup>۲</sup> است. اما در مواردی، برای جلوگیری از هدر رفتن خون مسلمان، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در قانون مجازات اسلامی مصوّب سال ۱۳۹۲، آمده است در صورتی که مرتکب، دارای عاقله نباشد یا عاقله او به دلیل عدم تمکّن مالی نتواند دیه را بپردازد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود (قانون مجازات اسلامی مصوّب سال ۱۳۹۲، ماده ۳۰۷-۳۱۳، ۴۷۰).

۱. «حُمَيْدُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثَمِيِّ عَنِ ابْنِ بَنِ عُمَانَ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا مُتَعَمِّدًا ثُمَّ هَرَبَ الْقَاتِلُ فَلَمْ يُقَدَّرْ عَلَيْهِ قَالَ إِنْ كَانَ لَهُ مَالٌ أُخِذَتِ الدِّيَةُ مِنْ مَالِهِ وَإِلَّا فَمِنَ الْأَقْرَبِ فَأَلْقُرَبِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ قَرَابَةٌ وَذَاةُ الْإِمَامِ فَإِنَّهُ لَا يُبْطَلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ».

۲. عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث به طوری که همه کسانی که حین الفوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی عهده‌دار پرداخت دیه خواهند بود.

## تحلیل و بررسی

در این جا سخن آقای بهبودی درست است؛ اما ذکر این نکته، لازم است که در مواردی ممکن است حدیث واقعاً صادر شده، اما مبتنی بر تقیّه باشد؛ یعنی علما امامیه در مورد مسأله ای اجماع داشته باشند؛ اما قولی در میان اهل سنت باشد که نسبت به آن تقیّه کرده باشند. بنابراین سخن بهبودی لزوماً نمی تواند نافی صدور روایت باشد؛ اما می تواند عدم حجّیت آن را برساند. بهبودی هم به این موضوع واقف بوده و از نظر ایشان احادیث تقیّه هیچ کدام نافی صدور نشده، بلکه بی اعتباری حدیث اثبات و از دایره احادیث صحیح خارج شده است.

## ۲-۲-۸. علیل دانستن متنی که راوی به سود خود نقل کرده

به عقیده بهبودی اگر راوی، متنی را به سود خود روایت کند، آن متن را باید علیل شمرد؛ خواه سود معنوی و خواه سود دنیوی او را تضمین کند یا سوء استفاده او را روا اعلام کند. وی در این باره روایت های زیادی را مورد بررسی قرار داده<sup>۱</sup> که بسیاری از آن ها علاوه بر تأمین منفعت مادی یا معنوی برای فرد راوی، با موازین شرعی اسلام و حتی با نصّ صریح قرآن مخالف است (بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۲۲).

«عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ خَالِدِ بْنِ بَكِيرٍ قَالَ: دَعَانِي أَبِي حِينَ حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ فَقَالَ يَا بَنِي أَقْبِضْ مَالَ إِخْوَتِكَ الصَّغَارِ فَاغْمَلْ بِهِ وَ خُذْ نِصْفَ الرِّبْحِ وَأَعْطِهِمُ النَّصْفَ وَ لَيْسَ عَلَيْكَ ضَمَانٌ... فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)... فَقَالَ أَمَا قَوْلُ ابْنِ أَبِي لَيْلَى فَلَا أَسْتَطِيعُ رَدَّهُ وَ أَمَا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَيْسَ عَلَيْكَ ضَمَانٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۷: ۶۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۹: ۲۳۶؛ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ۴: ۲۲۸).

در این روایت، راوی از قول پدرش نقل می کند که به هنگام وفات، پدر امر می کند اموال برادران کوچک را به سبک مضاربه، بردارد، کار کند و نصف سود را برای خود و نصف دیگر سود را به برادرانش بدهد، در حالی که ضامن مال آنان هم نیست. این مسأله با اعتراض مادر یکی از برادران روای مواجه شده و در نتیجه راوی محتوای وصیت پدر را نزد امام صادق (ع) بیان می کند. مطابق روایت راوی، امام صادق (ع) به صحت کار او و وصیت پدر رأی می دهد. بهبودی می گوید: «در این حدیث راوی به نفع خود و عدم ضمان خود نسبت به کارهای قبلی خود روایت کرده و حجّت نخواهد بود»

۱. برای نمونه احادیث دیگر، ر.ک: بهبودی، ۱۳۷۸ ش، ۱۹، ح ۴۶ و ۴۷؛ ۲۰، ح ۴۸ و ۴۹؛ ۵۰ و ۲۱-۲۲، ح ۵۱ و ۵۲.

(بهیودی، ۱۳۷۸ش، ۲۲-۲۳). به این ترتیب روایت از درجه اعتبار ساقط است.

### ۳. نتیجه‌گیری

آنچه تاکنون گفته شد، به منظور آن کردن ظرافت‌سنجی‌های بهیودی در شناخت احادیث معلل بود. اما معایبی نیز متوجه کار ایشان هست. در این مقاله، تحت عنوان «تحلیل و ارزیابی نمونه احادیث معلل در کتاب «علل الحدیث» محمداقبر بهیودی» روش‌های بهیودی در نقد سندی و متنی احادیث، مورد واکاوی قرار گرفته است؛ نتایج پژوهش عبارتند از:

۱- مهم‌ترین آسیب‌های سندی عبارتند از: انقطاع، اعضاء، ارسال، تخلیط، تعلیق، اضطراب سند، تصحیف و تحریف.

۲- برخی از آسیب‌های متنی، از منظر بهیودی عبارتند از: تصحیف و تحریف در متن، ادراج، افتادگی در متن حدیث، تخلیط متن و سند، تعریض و ...

۳- از مهم‌ترین روش‌های بهیودی در تعلیل احادیث، مقایسه سند و متن روایت معلل با اسناد و متون روایات دیگر از همان کتاب و یا دیگر کتب حدیثی است.

۴- با بررسی انجام شده، مشخص شد که مواردی که ایشان به عنوان آسیب ذکر کرده، جزء آسیب‌های حدیثی به شمار می‌روند و تشخیص ایشان به جا و درست است؛ اما مثال‌هایی که ایشان ذیل عنوان برخی آسیب‌ها ذکر کرده بود، نشان‌دهنده آن آسیب حدیثی نبود؛ مثل ارسال، اعضاء، تعلیق و ... به طوری که با بررسی تمام طرق، صحت برخی از روایات احراز شد؛ اما ممکن است با بررسی دیگری در روایات امامیه یا غیر امامیه روایاتی با این‌گونه آسیب‌ها پیدا شود.

### منابع

- ایزدی، مهدی؛ هادیان، مهدی، «صحت احادیث کافی؛ مقایسه و نقد دیدگاه سه حدیث‌پژوه معاصر»، مطالعات قرآن و حدیث، سال دهم، ۱۳۹۶ش، شماره ۲، صص ۲۰۵-۲۳۰.
- ایزدی، مهدی؛ مظاهری طهرانی، بهاره، «علت در حدیث و موازین شناخت آن از دیدگاه محمداقبر بهیودی»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۴ش، ش ۲۸، صص ۲۶-۵۳.
- بروجردی، آقاسین، جامع احادیث الشیعة، تهران، فرهنگ سبز، ۱۳۸۰ش.
- بهیودی، محمداقبر، صحیح الکافی، تهران، سنأ، ۱۴۰۱ق.
- \_\_\_\_\_، علل الحدیث، تهران، دارالاسلامیه، ۱۳۷۸ش.
- حرعاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعه، قم، موسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
- خوانساری، فاطمه، «سیری در اندیشه‌های حدیثی محمداقبر بهیودی»، پایان‌نامه دانشگاه تربیت معلم تهران، ۱۳۸۸ش.

- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بیروت، مدینه العلم آیت الله خویی، چاپ چهارم، ۱۴۰۹ق.
- دلبری، سیدعلی؛ علوی، سیدجعفر؛ حبیبی مهر، علی اکبر، «بررسی و تحلیل ادراج متنی در کتاب جواهر الکلام»، مطالعات فهم حدیث، سال هفتم، ۱۴۰۰ش، شماره ۲، صص ۷۱-۹۱.
- رحمتی، محمدکاظم، «حریز بن عبدالله سجستانی»، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۷ش، شماره ۱۳، صص ۹۶ تا ۹۸.
- سبحانی، جعفر، اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرایه، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۴ق.
- سرشار، مرزگان، «دیدگاه‌های استاد محمدباقر بهبودی در گزینش احادیث صحیح»، علوم حدیث، ۱۳۸۷ش، ش ۴۹-۵۰، صص ۳۰۰-۳۲۹.
- \_\_\_\_\_، «محمدباقر بهبودی و نقد و گزینش روایات»، ماه دین، ۱۳۸۸ش، ش ۱۳۹، صص ۴-۱۳.
- سیدابوالحسن، علی، صفوه المقال فی حل شبهه الارسال، بیروت، دارالمحججه البيضاء، ۱۴۳۳ق.
- شهیدثانی، زین الدین بن علی، الرعاية فی علم الدرایه، تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- \_\_\_\_\_، شرح البدایة فی علم الدرایه، تحقیق: جلالی، سید محمد رضا، قم، فیروزآبادی، ۱۳۷۲ش.
- شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- صاحب معالم، منتقی الحمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۲ق.
- صدر عاملی، سیدحسن، نهایه الدرایه (فی شرح الوجیزة)، تحقیق: غریبوی، تهران، المشعر، ۱۳۵۴ش.
- صدوق، محمدبن علی، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تحقیق و تصحیح: خرسان، حسن الموسوی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- \_\_\_\_\_، الأمالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
- \_\_\_\_\_، علل الشرائع، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
- \_\_\_\_\_، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ق.
- صفار، محمدبن حسن، بضائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، تحقیق: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق و تصحیح: خرسان، حسن الموسوی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- عاملی، حسین بن عبدالصمد، وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، تحقیق: کوهکمری، عبداللطیف، قم، مجمع الذخائر الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- فیض کاشانی، محمدمحسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۶ق.
- قزوینی، سیدمحمدکاظم، موسوعه الامام صادق (ع)، قم، الرافد، ۱۳۰۸ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایه فی علم الدرایه، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ق.
- \_\_\_\_\_، مقباس الهدایه، تلخیص علی اکبر غفاری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- مرعی، حسین عبدالله، منتهی المقال فی الدرایه و الرجال، بی جا، مؤسسه عروه الوثقی، ۱۴۱۷ق.
- مظاهری طهرانی، بهاره، «دغدغه‌های بهبودی در تألیف صحیح الکافی و روش او»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، سال ۲۰، ۱۳۹۳ش، ش ۵۶، صص ۲۷-۱۰۶.
- منفرد، افسانه، «حمام (۲): فرهنگ و معماری»، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۸ش، شماره ۱۴، صص ۱۰۶-۱۲۰.

میرداماد، محمدباقر، الرواشح السماویة، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.  
نجاشی، احمد بن علی، رجال، تصحیح سید موسی شبیری، قم، اسلامیه، ۱۳۶۵ش.  
نفیسی، شادی، درایة الحدیث: بازپژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین، تهران، سمت، ۱۳۸۸ش.  
نگارش ملک، زهرا، «بررسی شیوه‌های نقد الحدیثی بهبودی در کتاب علل الحدیث»، تهران، پایان‌نامه دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۵ش.  
همدانی، مصطفی، «نقد اندیشه رجالی ارسال روایات بی‌واسطه حریر از امام صادق (ع)» مطالعات فهم حدیث، سال چهارم، ۱۳۹۷ش، شماره ۲، صص ۱۳۱-۱۵۳.